



Economic Efficiency as the Basis of Civil Responsibility

Mehrnoush Razazzadeh¹, Davoud Nasiran Najafabadi^{2*}, Reza Soltani³

1. Ph.D. Student of Private Law, Department of Law, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran.
2. Assistant Professor of Law Department, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran.
3. Assistant Professor, Department of Law, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Article Type: Original Research

Pages:1-16

Article history:

Received: 07 Sep 2023

Edition: 06 Dec 2023

Accepted: 18 Feb 2024

Published online: 22 Sep 2024

Keywords:

Civil Liability, Fault, Pure Liability, Economic Efficiency, Wealth Maximization.

Corresponding Author:

Davoud Nasiran Najafabadi

Address:

Iran, Najafabad, Islamic Azad University, Najafabad Branch, Department of Law .

Orchid Code:

0009-0008-7210-7751

Tel:

09131331562

Email:

dawoodnassiran@yahoo.com

ABSTRACT

Background and Purpose: In the economic analysis of the civil liability system, economic efficiency is used as the basis of civil liability. Accordingly, the purpose of this article is to examine economic efficiency as the basis of civil responsibility.

Materials and Methods: The present article is theoretical and has investigated the discussed topic by using descriptive and analytical method. Materials and data are also qualitative and data collection was used in collecting materials and data.

Ethical Considerations: In this article, the originality of the texts, honesty and trustworthiness are observed.

Findings: Considering that Iran's legal doctrines have not yet provided a definition of the concept of economic efficiency in the rules of civil responsibility, if one wants to choose one of the concepts presented by western theorists, it seems that Posner's theory is better because of the fewer disadvantages that It is a more appropriate choice than other existing theories. Unlike the Pareto optimal situation, it considers it possible to reach social welfare and increase it, and like the Kaldor-Hicks criterion, it does not need to create an alternative to cause damage and offers a more specific solution than the Pareto optimal situation. For this reason, it is superior to other theories.

Result: The problem is different in the assumption of unilateral and bilateral events. In one-sided accidents, both the rule of fault and the rule of pure responsibility can achieve the optimal social result, but in bilateral accidents, the rule of fault is more effective.

Cite this article as:

Razazzadeh M , Nasiran Najafabadi D, Soltani R. *Economic Efficiency as the Basis of Civil Responsibility*. Economic Jurisprudence Studies. 2024.



فصلنامه مطالعات فقه اقتصادی، دوره ششم، شماره سوم، پاییز ۱۴۰۳

کارآمدی اقتصادی به‌عنوان مبنای مسؤولیت مدنی

مهرنوش رزاززاده^۱، داود نصیران نجف‌آبادی^{۲*}، رضا سلطانی^۳

۱. دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، گروه حقوق، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران.

۲. استادیار گروه حقوق، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران.

۳. استادیار گروه حقوق، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: در تحلیل اقتصادی نظام مسؤولیت مدنی، از کارایی و کارآمدی اقتصادی به‌عنوان مبنای مسؤولیت مدنی استفاده می‌شود. بر همین اساس هدف مقاله حاضر، بررسی کارآمدی اقتصادی به‌عنوان مبنای مسؤولیت مدنی است.

مواد و روش‌ها: مقاله حاضر نظری و با استفاده از روش توصیفی تحلیلی است؛ به بررسی موضوع مورد بحث پرداخته است. مواد و داده‌ها نیز کیفی است و از فیش‌برداری در گردآوری مطالب و داده‌ها استفاده شده است.

ملاحظات اخلاقی: در این مقاله، اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

یافته‌ها: با توجه به اینکه دکترین حقوق ایران تاکنون تعریفی نسبت به مفهوم کارآمدی اقتصادی در قواعد مسؤولیت مدنی ارائه نداده‌اند، چنانچه اراده شود یکی از مفاهیم ارائه شده توسط نظریه‌پردازان غربی انتخاب گردد، به نظر می‌رسد نظریه پوزنر به‌خاطر معایب کمتری که از سایر نظریه‌های موجود دارد، انتخاب مناسب‌تری باشد. برخلاف وضعیت بهینه پارتو، رسیدن به‌رفاه اجتماعی و افزایش آن را ممکن می‌داند و مانند معیار کالدور-هیگس، نیاز به ایجاد جایگزین برای ایجاد خسارت ندارد و نسبت به وضعیت برتر پارتو، راهکار مشخص‌تری ارائه می‌دهد. به‌همین جهت بر سایر نظریات برتری دارد.

نتیجه: مسئله در فرض حوادث یکجانبه و دوجانبه مختلف است. در حوادث یک جانبه، هم قاعده تقصیر و هم قاعده مسؤولیت محض می‌تواند نتیجه بهینه اجتماعی را حاصل کند؛ اما در حوادث دوجانبه قاعده تقصیر کارا تر است.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۱-۱۶

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۶/۱۶

تاریخ اصلاح: ۱۴۰۲/۰۹/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۲۹

تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۷/۰۱

واژگان کلیدی:

مسؤولیت مدنی، تقصیر، مسؤولیت محض، کارایی اقتصادی، حداکثرسازی ثروت.

نویسنده مسؤول:

داود نصیران نجف‌آبادی

آدرس پستی:

ایران، نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد نجف‌آباد، گروه حقوق.

تلفن:

09131331562

کد ارکید:

0009-0008-7210-7751

پست الکترونیک:

dawoodnassiran@yahoo.com

۱. مقدمه

امروزه گفتمان «حقوق و اقتصاد» افق‌های جدیدی را در تحلیل موضوعات حقوقی گشوده است. در این گفتمان، موضوعات حقوقی با ابزارهای اقتصادی بررسی می‌شوند و نگاه به اقتصاد، یک نگاه ابزاری است که در آن، نظریه‌ها و تکنیک‌های اقتصادی برای آزمودن ساختارها، فرآیندها، آثار حقوقی و نهادهای قانونی به کار گرفته می‌شود. یکی از حوزه‌های قابل اعتنا در مباحث حقوقی، حوزه مسؤولیت مدنی می‌باشد. این حوزه، علاوه بر بهره‌گیری از نظرات فقهی، ارتباط تنگاتنگی با تحلیل‌های حقوقی مدرن نیز دارد. اگر نوع نگاه به حقوق مسؤولیت مدنی، نگاه اقتصادی باشد، می‌تواند پیامد به‌کارگیری نظرات حقوقی را مشخص کرده و قوانین موجود را نقد کند و در نهایت به‌ارائه بهترین و کاراترین الگوی اقتصادی منجر شود. ضرورت نگرش اقتصادی در مسؤولیت مدنی می‌تواند از دو منظر مهم جلوه نماید؛ نخست، لزوم تغییر حقوق انتزاعی به حقوق کارکرد گرا و کاربردی؛ چرا که صرف تکیه بر تحلیل منطقی- حقوقی در مسؤولیت مدنی، الزاماً به کارایی آن ختم نمی‌شود، تحلیل اقتصادی این امکان را فراهم می‌آورد که نتیجه قابل انطباق با اقتضائات پیشرفت جوامع و شکل‌گیری روابط جدید بین افراد و نهادها، به‌منصه ظهور برسد. دوم این که تحلیل اقتصادی موجب ضابطه‌مند شدن قوانین حقوقی و تمییز قواعد مفید از قواعدی که کارایی خاصی بر آن‌ها مترتب نیست یا دست کم کارایی لازم را بر اساس مقتضیات زمانه خود ندارند، می‌شود و به دنبال آن امکان اصلاح و بازنگری در آن قوانین را فراهم می‌سازد.

از آن جایی که کارآمدی اقتصادی می‌تواند به عنوان یک مبنای قابل قبول برای مسؤولیت مدنی تلقی

شود و چه بسا بتوان آن را به‌عنوان عاقلانه‌ترین مبنا برشمرد، لازم است مفهوم کارایی اقتصادی و همچنین راه‌های رسیدن به آن مشخص شود. در این خصوص نظرات حقوقی از یک رویه ثابت و یک نظر مشترک تبعیت نمی‌کنند؛ بلکه نظرات مختلفی در این باره موجود است؛ نظریه به‌حداکثر رساندن ثروت، وضعیت بهینه پارتو، وضعیت برتر پارتو و معیار کالدور-هیکس، از مهم‌ترین نظریه‌های کارایی اقتصادی در حقوق مسؤولیت مدنی محسوب می‌شوند. در این بین، مشهورترین نظریه و بهترین آن‌ها، نظریه به‌حداکثر رساندن ثروت «پوزنر» است. اگر نظر پوزنر برای تحلیل اقتصادی مسؤولیت مدنی انتخاب شود، باید دید چه زمانی کارایی اقتصادی به‌وجود می‌آید؟ و ساختار مسؤولیت مدنی باید چگونه باشد که به‌حداکثر کارایی اقتصادی منجر شود؟ همچنین از آن جایی که در این نظریه، «کارایی» به‌عنوان مبنا و هدف اصلی شناخته می‌شود و از طرف دیگر، قاعده تقصیر به عنوان قاعده عمومی و قاعده مسؤولیت محض به عنوان یک قاعده استثنایی مطرح است؛ باید بررسی کرد که در چه شرایطی قاعده مسؤولیت مدنی مبتنی بر تقصیر کارا تر است و در چه صورتی قاعده مسؤولیت محض در دستیابی به کارایی اقتصادی بهتر عمل می‌کند؟ و کدام یک از این دو قاعده می‌تواند هدف پوزنر را که به‌حداکثر رساندن ثروت است، محقق کند؟ اهمیت این موضوع از آن جایی مشخص می‌شود که امروزه با توجه به گسترش شهرنشینی، رشد روزافزون جوامع و روابط گسترده افراد، اعم از حقیقی و حقوقی، چگونگی تنظیم رفتارهای بین آن‌ها اهمیت ویژه‌ای پیدا کرده است. نظام مسؤولیت مدنی فعلی، بر اساس دیدگاه ایجاد عدالت بین طرفینی بوده و درحوزه حقوق خصوصی مطرح می‌شود و اگر بخواهد براساس کارایی

۲. مواد و روش‌ها

مقاله حاضر، نظری و با استفاده از روش توصیفی تحلیلی است که به بررسی موضوع مورد بحث پرداخته است. مواد و داده‌ها نیز کیفی است و از فیش‌برداری در گردآوری مطالب و داده‌ها استفاده شده است.

۳. ملاحظات اخلاقی

در این مقاله، اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

۴. یافته‌ها

با توجه به‌اینکه دکتربین حقوق ایران تاکنون تعریفی نسبت به مفهوم کارآمدی اقتصادی در قواعد مسؤولیت مدنی ارائه نداده‌اند، چنانچه اراده شود یکی از مفاهیم ارائه شده توسط نظریه پردازان غربی انتخاب گردد، به نظر می‌رسد نظریه پوزنر به خاطر معایب کمتری که از سایر نظریه‌های موجود دارد، انتخاب مناسب‌تری باشد. برخلاف وضعیت بهینه پارتو، رسیدن به رفاه اجتماعی و افزایش آن را ممکن می‌داند و مانند معیار کالدور-هیگس، نیاز به ایجاد جایگزین برای ایجاد خسارت ندارد و نسبت به وضعیت برتر پارتو، راهکار مشخص‌تری ارائه می‌دهد. به همین جهت بر سایر نظریات برتری دارد.

۵. بحث

حقوق، برای نتیجه یا هدف مشخصی به وجود آمده است و قواعد و نهادهای حقوقی طرح‌ریزی شده برای آن، زمانی جنبه عقلایی و توجیه پذیری پیدا می‌کنند که بر اساس ساز و کارهای مذکور، آن هدف محقق گردد، در غیر این صورت، باید به دنبال ساز و کارهای جدید بود تا هدفی را که حقوق دنبال می‌کند، به‌منصه ظهور برساند. این نوع نگاه

اقتصادی تدوین شود؛ باید براساس دیدگاه ابزارگرایی تفسیر شده و درحوزه حقوق عمومی قرار بگیرد. به‌طور کلی در حوزه تحلیل اقتصادی مسؤولیت مدنی در حقوق ایران، تحقیقات محدود و کلی انجام‌گرفته، لکن در خصوص جایگاه کارآمدی اقتصادی در وضع و تفسیر قواعد مسؤولیت مدنی، پژوهشی صورت نگرفته است و در هیچ کدام به‌صورت تحلیلی، نظریه‌پردازی و تئوری‌پردازی نگردیده است تا با استفاده از آن بتوان رویکردی کاربردی ارائه داد. درخصوص کارآمدی اقتصادی در حقوق و مسائل حقوقی پژوهش‌های متعددی انجام شده است: افشین مجاهد در مقاله‌ای به بررسی جایگاه کارآمدی اقتصادی در حقوق ورشکستگی پرداخته است (مجاهد، ۱۴۰۱) همچنین قاسم نبی‌زاده کبریا، در مقاله‌ای، مداخله دولت در شروط غیرمنصفانه با تکیه بر تحلیل اقتصادی قراردادهای مورد بررسی قرار داده است (نبی‌زاده کبریا، ۱۳۹۹) تمایز و نوآوری مقاله حاضر نسبت به پژوهش‌های انجام شده این است که در این مقاله کارآمدی اقتصادی به‌عنوان مبنای مسؤولیت مدنی مورد بررسی قرار گرفته است. بر اساس آنچه گفته شد سؤال مقاله بدین شکل قابل طرح است که کارآمدی اقتصادی تا چه اندازه به‌عنوان مبنای مسؤولیت مدنی کارایی دارد؟ به‌منظور بررسی سؤال مورد اشاره ابتدا جایگاه کارآمدی اقتصادی مسؤولیت مدنی در حقوق ایران بررسی شده، سپس مبنای مسؤولیت مدنی با کارآمدی اقتصادی و مقایسه قاعده مسؤولیت محض و قاعده مسؤولیت مبتنی بر تقصیر بررسی شده و در نهایت از نگرش اقتصادی به‌نظام مسؤولیت مدنی و نظریه حداکثرسازی ثروت از منظر فقهی بحث شده است.

ریاضی که برای نگرش اقتصادی در دسترس است و با توجه به محدودیت‌هایی که وجود دارد یا می‌تواند وجود داشته باشد، بهترین گزینه را به حداکثر رساندن ثروت نامید.

در نگرش اقتصادی به‌مسئولیت مدنی، بر اساس کارایی اقتصادی به‌مسئولیت مدنی پرداخته می‌شود. کارایی اقتصادی در مسئولیت مدنی به این معناست که یک فعالیت خطرآفرین، تنها زمانی اجازه فعالیت داشته باشد که ارزش اجتماعی آن، خطراتش را توجیه کرده و آن را قابل اعتنا بسازد؛ بنابراین با این اوصاف، نمی‌توان مسئولیت مدنی را شاخه‌ای مستقل از حقوق تصور کرد، بلکه قسمتی از آن است که وظیفه دارد خطر را سازماندهی کرده و آن را مدیریت کند و در واقع بتواند اهدافی که در مهندسی اجتماعی لازم است تحقق یابند را محقق کند. واضح است که اگر راهی به غیر از مسئولیت مدنی وجود داشته باشد که این اهداف را تامین کند و یا ارزان‌تر و توجیه پذیرتر باشد، دیگر به‌مسئولیت مدنی احتیاجی نیست (بادینی، ۱۳۹۴، ۳۸۸-۳۸۷). معیار کارآمدی اقتصادی، همواره در طول تاریخ به‌صورت ضمنی مورد استفاده قضات بوده است؛ زیرا عقلانیت نهفته در آن، اعمال این ضابطه را حتی در سیستم‌های قضایی که به‌مفهوم ذهنی تقصیر معتقد هستند ممکن و موجه می‌سازد. در هر تحلیلی که از کارآمدی اقتصادی ارائه می‌شود، اوضاع و حالتی عادی در یک قالب استاندارد مطرح است که در آن عرصه‌های مرتبط با هم از آن استاندارد بهره می‌برند.

۵-۱. جایگاه کارآمدی اقتصادی مسئولیت

مدنی در حقوق ایران

در ماده یک قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹ آمده است: «هرکس بدون مجوز قانونی عمداً یا در

به‌حقوق، با اهداف از پیش تعیین شده و ساختار نهادهای حقوقی و مفاد قواعد حقوقی که بر اساس آن اهداف ایجاد شده است، نگاه ابزارگرایانه و یا پیامدگرایی نامیده می‌شود (پوزنر، ۱۹۹۹، ۸۷). نکته قابل توجه در پیامدگرایی، تعیین هدف است؛ بنابراین در زمینه مسئولیت مدنی، برخلاف نظریه‌های مرسوم، با نگاه ابزارگرا، نخست باید هدف‌های این شاخه از حقوق را مشخص کرد و سپس قواعد آن را مورد ارزیابی قرار داد؛ و اگر هدف‌های تعیین شده را برآورده نمی‌کردند، باید به دنبال قواعد و نهادهای جایگزین رفت. در مسئولیت مدنی با دو نگاه عمده ابزارگرایی اقتصادی و ابزارگرایی اخلاقی مواجه هستیم. ابزارگرایی اقتصادی معتقدند؛ مسئولیت مدنی، تنها جایگزین بازار و قراردادهای خصوصی و ابزاری برای دستیابی به کارایی اقتصادی است. در مقابل، ابزارگرایی اخلاقی، مسئولیت مدنی را راهی برای تحقق هدف‌ها و آرمان‌های اجتماعی، سیاسی یا فلسفی خاصی (غیر از کارایی اقتصادی) مانند تحقق عدالت می‌دانند (کوپر استیونسون؛ گیپسن، ۱۹۹۳، ۱۲۹).

در همین حال «نگرش اقتصادی نوعی از عقلانیت فردی است که باعث می‌شود ترجیح افراد بر انتخاب بهترین گزینه باشد؛ چرا که کمیابی منابع تولید و فراوانی و تنوع خواسته‌های انسان، که واقعیتی انکارناپذیر در زندگی اقتصادی بشر است، ایجاب می‌کند تا در هر جامعه‌ای، منابع کمیاب به نحوی تخصیص داده شود که تا حد امکان بیشتر این خواسته‌ها برآورده گردد» (تفضلی، ۱۳۷۵، ۶-۸). اگر بتوان نگرش اقتصادی را درست انتخاب کردن نامید، در این نگرش نتایجی قابل قبول است که بازده بیشتری داشته باشد. باید توجه داشت که افراد همیشه در انتخاب بهترین گزینه، آزادی ندارند به‌همین دلیل می‌توان بر اساس ابزارهای

سنت در صدد است قواعد حاکم بر حقوق را از منابع فقهی استنباط نموده و قوانین را منطبق بر شریعت وضع نماید و حتی در تفسیر آن نیز بر مبنای شرع تفسیر نماید. چنانچه دکتر جعفری لنگرودی در تعریف قانون بیان می‌دارد: «قانون عبارت است از آنچه شارع می‌گوید» (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۹، ۲۰۸)؛ اما در مقابل، مدرنیته می‌خواهد در مرحله وضع و تفسیر، به عقل و علوم مراجعه نماید و بر اساس مقتضیات زمانه رفتار نماید. بر اساس دیدگاه مدرن، برای وضع قوانین نیازی به فقه نیست و جدا کردن قوانین از شریعت می‌تواند قوانین واقع‌گرایانه تری را ارائه دهد.

۲-۵. مبانی مسؤولیت مدنی با کارآمدی اقتصادی

جهت دست یافتن به افزایش ثروت و رفاه در راستای رسیدن به کارآمدی اقتصادی، لازم است بهترین مبانی برای این رویکرد از حقوق شناسایی شود که با مقایسه‌ی مسؤولیت محض و مسؤولیت مبتنی بر تقصیر، می‌توان به تعیین مناسب‌ترین قاعده برای افزایش ثروت دست یافت.

به‌طور کلی می‌توان با حوادثی مواجه شد که دو شخص در آن حضور دارند، زیان‌زننده و زیان‌دیده. هر دو آنان در فعالیت‌های متعددی تا حد خاصی احتیاط می‌کنند؛ بنابراین، تصمیماتی که اتخاذ می‌کنند، دو وجهی است. آنان هم باید تصمیم بگیرند که تا چه حدی باید احتیاط کنند و تا چه حدی باید فعالیت نمایند.

اگر هزینه‌های پیشگیری از حادثه را X و اقدامات احتیاطی را Y و هزینه‌های قابل انتظار در حادثه را Z بنامیم، با افزایش مقدار Y ، مقدار X افزایش و مقدار Z کاهش پیدا خواهد کرد.

نتیجه بی‌احتیاطی به‌جان، سلامتی یا مال یا آزادی یا حیثیت یا شهرت تجارتي یا به هر حق دیگر که به موجب قانون برای افراد ایجاد گردیده است لطمه ای وارد نماید که موجب ضرر مادی و یا معنوی دیگری شود، مسئول جبران خسارت ناشی از عمل خود می‌باشد» از این رو مبنای قانونی مسؤولیت مدنی در حقوق ایران به موجب این ماده نظریه تقصیر می‌باشد که با معیار تقصیر اقتصادی بسیار فاصله دارد چرا که در نگرش اقتصادی به مفهوم تقصیر، منطق اقتصادی معیار تمیز عمل صواب از ناصواب است.

اما، به طور کلی نمی‌توان گفت قوانین ایران با معیار کارآمدی اقتصادی بیگانه است. در ماده ۳۵۰ قانون مجازات اسلامی آمده است: «هرگاه دیواری را در ملک خود به‌طور معتدل و بدون میل به یک طرف بنا نماید؛ اما تدریجاً مایل به سقوط به سمت ملک دیگری شود، اگر قبل از آنکه صاحب دیوار تمکن اصلاح آن را پیدا کند ساقط شود و موجب آسیب یا خسارت گردد، چیزی برعهده صاحب دیوار نیست و اگر از بعد از تمکن از اصلاح با سهل‌انگاری سقوط کند و موجب خسارت شود، مالک آن ضامن می‌باشد».

در این ماده رد پای از پذیرش نظریه کارآمدی اقتصادی به‌عنوان مبنای مسؤولیت مدنی دیده می‌شد و واژه تمکن، می‌تواند ضابطه تشخیص تقصیر اقتصادی می‌باشد. سنتی بودن جوامعی مانند جامعه ما، باعث شده است تا رفتار مبتنی بر بازار و اقتصاد و فایده‌گرایی کم‌رنگ باشند از طرفی با موضوع اقتصاد مواجه هستیم که رشد جهانی داشته و چیرگی نگرش اقتصادی بر تفکر حقوقی، گریز ناپذیر است در نتیجه در اینجا تعارض و جدال مدرنیته با سنت نیز پیش می‌آید.

۵-۲-۱. حوادث یک جانبه

در حوادث یکجانبه، زیان دیده، در احتمال ورود خسارت و میزان آن بی تأثیر است. اگر زیان زننده در قبال خساراتی که وارد می‌کند مسئول نباشد و اگر خسارات ناشی از آن حادثه را تحمل نکند، او کمترین سطح از مراقبت را انتخاب خواهد کرد تا هزینه‌های خود را به حداقل رساند؛ بنابراین، از آنجایی که فرض کردیم مقدار Z با افزایش مقدار Y کاهش می‌یابد، با کم شدن مقدار Y ، مقدار Z افزایش می‌یابد که نتیجه بکارگیری این قاعده از لحاظ اجتماعی، بهینه نخواهد بود (کوپر استیونسون؛ گیپسن، ۱۹۹۳، ۱۳۲).

۵-۲-۱-۱. قاعده مسؤولیت مبتنی بر تقصیر

در اینجا، قاعده مسؤولیت مبتنی بر تقصیر، موجب انجام گرفتن احتیاط‌های بهینه خواهد شد، زیرا به راحتی می‌توان به این نتیجه رسید که شخصی که به دنبال پیشینه سازی منفعت خود است، سطحی از احتیاط را انتخاب می‌نماید که هزینه‌های شخصی او را به حداقل برساند. طبیعی است او بیشتر از سطح بهینه احتیاط نخواهد کرد؛ زیرا هر سطح احتیاطی بالاتر از سطح بهینه، برای او هزینه‌ی بیشتری در پی خواهد داشت. در حالی که سطح خسارت قابل پرداخت را کاهش نخواهد داد و انجام احتیاط‌های لازم او را از پرداخت خسارت معاف می‌نماید و کمتر از سطح بهینه احتیاط نخواهد کرد؛ زیرا ممکن است در این حالت کل هزینه‌های مورد انتظار را متحمل شود (شکوهیان؛ امینی، ۱۳۹۵، ۱۶). البته این مطلب بر چند فرض استوار است از جمله این که؛

اولاً، دادگاه سطح احتیاط‌های لازم را برابر با سطح بهینه اجتماعی در نظر می‌گیرد.

ثانیاً، این که که ضمانت اجرای حقوقی تحمیل شده برابر با خسارات واقعی است.

ثالثاً، سطح فعالیت‌ها ثابت در نظر گرفته شده است. حال اگر هر کدام از این فرضیات را بتوان یک به یک کنار گذاشت و تنها به آثار یکی از این فرضیات پرداخته شود، بر نتایج بررسی‌ها تأثیر متفاوت خواهد گذاشت. به عنوان مثال اگر دادگاه، احتیاط‌های لازم را معادل سطح بهینه اجتماعی در نظر نگیرد در این شرایط، بدهتاً کم هزینه‌ترین اقدام برای زیان زننده آن است که احتیاط نکند؛ زیرا حتی اگر هم احتیاط نکند باز هم از مسؤولیت معاف خواهد شد؛ پس لزومی ندارد که هزینه‌های اضافی را متحمل شود. هزینه‌های احتیاطی، بیشتر از حالت افزایش ضمانت اجرای حقوقی کاهش می‌یابد.

۵-۲-۱-۲. قاعده مسؤولیت محض

به موجب قاعده مسؤولیت محض، لازم نیست که دادگاه سطح استانداردهای احتیاطی را تعیین نماید؛ زیرا زیان زننده صرف نظر از سطح احتیاط‌هایی که انجام داده است، مسئول شناخته خواهد شد.

در این فرض، زیان زننده‌ای که احتیاط می‌کند، با کل خسارات ناشی از حادثه مواجه خواهد بود. چون هدف زیان زننده‌ای که به دنبال پیشینه سازی منافع خود می‌باشد، آن است که سطح هزینه‌های شخصی خود را به حداقل برساند و چون به موجب قاعده مسؤولیت محض، هزینه‌های اجتماعی کل دقیقاً برابر با هزینه‌های شخصی اوست، زیان زننده در به حداقل رساندن هزینه‌های کل ناشی از حادثه نفع دارد؛ بنابراین به موجب قاعده مسؤولیت محض در حوادث یکجانبه، زیان زننده سطح احتیاطی بهینه اجتماعی را انتخاب خواهد کرد.

به عنوان نتیجه، هم قاعده مسؤولیت محض و هم قاعده مسؤولیت مبتنی بر تقصیر، موجب تحقق سطح احتیاطی بهینه اجتماعی می‌شوند؛ اما دارای

ناشی از کاهش خسارات مورد انتظار حادثه برابر باشد؛ البته به شرط آنکه زیان زنده سطح احتیاط‌های بهینه را انتخاب کند (کوتر؛ یولن، ۱۳۸۸، ۶۱؛ براون، ۱۹۷۳، ۲).

۵-۲-۲-۱. قاعده مسؤولیت مبتنی بر تقصیر

اکنون باید تحلیل را با تعریف، تبیین و مقایسه اقسام مختلف قاعده مسؤولیت مبتنی بر تقصیر مورد بررسی قرار گیرد؛

تقصیر ساده: اساساً ویژگی‌های این قاعده همان است که در مورد حوادث یکجانبه به آن اشاره شد و بدون در نظر گرفتن سطح احتیاطی زیان دیده، تنها زمانی که سطح احتیاطی زیان زنده کمتر از استانداردهای حقوقی باشد، مسئول شناخته خواهد شد. حال اگر سطح احتیاط‌های مقرر که از سوی دادگاه‌ها انتخاب شده است، برابر با سطح بهینه اجتماعی باشد، در نتیجه زیان زنده انگیزه‌های لازم را برای احتیاط‌های مقرر خواهد داشت تا بتواند از مسؤولیت فرار نماید از این رو زیان دیده سطحی از احتیاط‌هایی را انتخاب می‌نماید که مقادیر هزینه‌های او را به حداقل برساند؛ بنابراین می‌توانیم نتیجه بگیریم که قاعده تقصیر ساده، به سطح احتیاطی بهینه اجتماعی منجر می‌شود.

قاعده تقصیر با دفاع تقصیر مشارکتی زیان دیده: به موجب این قاعده، اگر زیان زنده احتیاط‌های مقرر را انجام ندهد، اما زیان دیده احتیاط کرده باشد، مسؤول شناخته خواهد شد. حال اگر زیان زنده احتیاط‌های مقرر را انجام داده باشد و زیان دیده احتیاط نکرده باشد، زیان زنده مسؤول نخواهد بود.

در مقایسه با تقصیر ساده، زیان زنده علاوه بر انجام احتیاط‌های مقرر، راه دیگری نیز برای فرار از مسؤولیت خواهد داشت؛ اینکه ثابت کند زیان دیده احتیاط‌های لازم را انجام نداده است. اگر زیان

تفاوت مختصری هم هستند؛ به‌عنوان مثال، تقسیم یا توزیع هزینه‌ها به‌موجب هریک از این قواعد متفاوت است (دادگر؛ خودکار، ۱۳۹۶، ۴۱).

طبق قاعده مسؤولیت محض، زیان زنده باید کلیه هزینه‌های مورد انتظار را متحمل شود، در حالی که به‌موجب قاعده مسؤولیت مبتنی بر تقصیر، اگر زیان زنده احتیاط‌های لازم را انجام دهد، زیان دیده خسارات وارده را به دوش خواهد کشید.

۵-۲-۲-۲. حوادث دوجانبه

در حوادث دو جانبه، احتمال وقوع حادثه، تابعی از اقدامات احتیاطی زیان زنده و زیان دیده می‌باشد. در بسیاری موارد اساساً انتخاب یک شخص در مورد سطح فعالیت و احتیاطش، به انتخاب طرف مقابل وابسته است. حال، باید توانایی زیان دیده در کاهش زیان را نیز در نظر بگیریم؛ اگر سطح احتیاط‌هایی که از سوی زیان زنده انجام می‌شود را با x نشان دهیم و سطح احتیاط‌های زیان دیده را با y نشان دهیم تابع اهداف اجتماعی به صورت زیر خواهد بود:

$$\text{Min } c(x) + d(y) + d(x, y)$$

در اینجا $d(x, y)$ ، میزان کل خسارات مورد انتظار را نشان می‌دهد که طبیعتاً به سطح احتیاط‌های هر دو طرف وابسته است. اکنون x^* و y^* را میزان بهینه اجتماعی x و y در نظر گرفته شود، حال در اینجا دو شرط برای تعیین سطح احتیاطی بهینه وجود دارد؛

نخست آنکه، هزینه نهایی زیان زنده برای انجام هر واحد احتیاط اضافی، باید با منفعت نهایی ناشی از کاهش هزینه‌های مورد انتظار حادثه برابر باشد؛ البته به شرط اینکه زیان دیده سطح احتیاط‌های بهینه را انتخاب کند.

دوم آنکه، هزینه نهایی زیان دیده‌ای که سطح احتیاط‌های خود را بالا می‌برد، باید با منفعت نهایی

زنده فرض کند که زیان دیده احتیاط‌های مقرر را انجام می‌دهد، او هم انگیزه خواهد داشت تا احتیاط کند و باعث می‌شود زیان دیده احتیاط‌های مقرر را انجام دهد؛ زیرا اگر احتیاط‌های مقرر را انجام دهد، بایستی تمام هزینه‌های ناشی از حادثه را تحمل نماید. پس می‌تواند با انجام اقدامات احتیاطی، این هزینه‌ها را به حد اقل برساند. زیان زنده نیز از این امر آگاهی دارد، پس منطقی خواهد بود که او هم احتیاط‌های بهینه را انجام دهد تا تعادلی پایدار و منحصر به فرد ایجاد گردد.

قاعده تقصیر نسبی: تفاوت این قاعده با دو قاعده پیشین این است که اگر هر دو شخص مقصر باشند، خسارات ناشی از حادثه با به نسبت تقصیرشان، میان آنها تقسیم می‌شود. یک راه برای تقسیم خسارت آن است که ما به التفاوت میان احتیاط‌های مقرر و احتیاط‌های انجام شده را محاسبه کنیم (اور، ۱۹۹۱، ۲۰).

اگر دادگاه‌ها، سطح بهینه‌ای از احتیاط را در نظر گرفته باشند؛ بنابراین هم زیان زنده و هم زیان دیده باید احتیاط‌های مقرر را در نظر بگیرند که نتیجه حاصل از این قاعده بهینه اجتماعی است. با مقایسه میان اقسام تقصیر می‌توان به این نتیجه رسید که هیچ کدام از این قواعد، از اقسام دیگر آن کارا تر نیست.

۵-۲-۲. قاعده مسؤولیت محض

قاعده مسؤولیت محض نیز دارای اقسام مختلف است:

(۱) قاعده مسؤولیت محض ساده: در این قاعده بدون توجه به سطح احتیاطی زیان زنده، او مسئول پرداخت تمامی خسارات ناشی از وقوع حادثه می‌باشد. برعکس زیان دیده، تمامی خسارات وارده را دریافت خواهد کرد؛ این گزاره تأکید دارد که منفعت نهایی زیان دیده در اثر انجام هر واحد

احتیاطی اضافی، صفر خواهد بود؛ لذا برای زیان دیده بهینه است که سطح احتیاطی صفر را انتخاب کند؛ زیرا در این سطح، هزینه نهایی انجام اقدامات احتیاطی معادل صفر بوده و وضعیت بهینه شخصی او مطلوب خواهد بود؛ اما وضعیت بهینه اجتماعی به وجود نخواهد آمد زیرا منفعت نهایی ناشی از افزایش سطح احتیاط، از هزینه نهایی زیان دیده بیشتر خواهد بود.

(۲) قاعده مسؤولیت محض با دفاع تقصیر مشارکتی: به موجب این قاعده، زیان زنده مسئول جبران خسارت وارده است؛ مگر آنکه سطح احتیاط‌های زیان دیده، کمتر از سطح احتیاط‌های مقرر باشد. به موجب این قاعده، وضعیت بهینه اجتماعی حاصل خواهد شد؛ البته به شرط آنکه دادگاه، سطح احتیاط‌های مقرر برای زیان دیده را معادل سطح احتیاطی بهینه اجتماعی تعیین کند. منطبق موجود در این فرض، همان است که ضمن بررسی اقسام مختلف قاعده تقصیر بدان اشاره شد. اگر زیان دیده احتیاط‌های مقرر را انجام دهد و از مسؤولیت معاف شود، زیان زنده مسئول خواهد بود، پس زیان زندگان، احتیاط‌های مقرر را انجام می‌دهند تا هزینه‌های ناشی از وقوع حادثه را کاهش دهند. از سوی دیگر، زیان دیدگان نیز احتیاط‌های مقرر را انجام خواهند داد؛ زیرا آنها نیز نمی‌خواهند مسؤول مشارکتی شناخته شوند پس باز هم، نتیجه حاصله تعادل «نش» است که به لحاظ اجتماعی نیز بهینه خواهد بود. تئوری تعادل نش راه حلی از تئوری بازی است که شامل دو یا چند بازیکن می‌شود. در این راه حل فرض بر آگاهی هر بازیکن به استراتژی تعادل بازیکنان دیگر است، بدون وجود هیچ بازیکنی که فقط برای کسب سود خودش با تغییر استراتژی یک جانبه عمل کند. اگر هر بازیکنی استراتژی را انتخاب کند هیچ بازیکنی

زنده فرض کند که زیان دیده احتیاط‌های مقرر را انجام می‌دهد، او هم انگیزه خواهد داشت تا احتیاط کند و باعث می‌شود زیان دیده احتیاط‌های مقرر را انجام دهد؛ زیرا اگر احتیاط‌های مقرر را انجام دهد، بایستی تمام هزینه‌های ناشی از حادثه را تحمل نماید. پس می‌تواند با انجام اقدامات احتیاطی، این هزینه‌ها را به حد اقل برساند. زیان زنده نیز از این امر آگاهی دارد، پس منطقی خواهد بود که او هم احتیاط‌های بهینه را انجام دهد تا تعادلی پایدار و منحصر به فرد ایجاد گردد.

قاعده تقصیر نسبی: تفاوت این قاعده با دو قاعده پیشین این است که اگر هر دو شخص مقصر باشند، خسارات ناشی از حادثه با به نسبت تقصیرشان، میان آنها تقسیم می‌شود. یک راه برای تقسیم خسارت آن است که ما به التفاوت میان احتیاط‌های مقرر و احتیاط‌های انجام شده را محاسبه کنیم (اور، ۱۹۹۱، ۲۰).

اگر دادگاه‌ها، سطح بهینه‌ای از احتیاط را در نظر گرفته باشند؛ بنابراین هم زیان زنده و هم زیان دیده باید احتیاط‌های مقرر را در نظر بگیرند که نتیجه حاصل از این قاعده بهینه اجتماعی است. با مقایسه میان اقسام تقصیر می‌توان به این نتیجه رسید که هیچ کدام از این قواعد، از اقسام دیگر آن کارا تر نیست.

۵-۲-۲. قاعده مسؤولیت محض

قاعده مسؤولیت محض نیز دارای اقسام مختلف است:

(۱) قاعده مسؤولیت محض ساده: در این قاعده بدون توجه به سطح احتیاطی زیان زنده، او مسئول پرداخت تمامی خسارات ناشی از وقوع حادثه می‌باشد. برعکس زیان دیده، تمامی خسارات وارده را دریافت خواهد کرد؛ این گزاره تأکید دارد که منفعت نهایی زیان دیده در اثر انجام هر واحد

در خصوص انگیزه زیان دیدگان بالقوه ایجاد خواهد نمود و در عوض، باعث می‌شود که زیان زندگان کمتر از حد مطلوب احتیاط کنند.

مسؤولیت محض، تصویر قاعده عدم مسؤولیت در آینده است. یک قاعده نمی‌تواند انگیزه احتیاطی مناسبی را برای زیان دیده به همراه داشته باشد و دیگری، نمی‌تواند انگیزه احتیاطی مناسبی را برای زیان زننده ایجاد نماید؛ بنابراین تحلیل‌ها نشان می‌دهد که در حوادث دو جانبه، باید یکی از قواعد مسؤولیت مبتنی بر تقصیر یا مسؤولیت محض با دفاع تقصیر مشارکتی را بکار گیریم که هر دو قاعده می‌توانند نتایج بهینه اجتماعی را به دنبال داشته باشند؛ البته مشروط به اینکه دادگاه‌ها، سطح استاندارد حقوقی احتیاط را در سطح بهینه در نظر بگیرند؛ زیرا افرادی که به دنبال پیشینه ساختن منافع شخصی خود هستند، انگیزه خواهند داشت تا استانداردهای حقوقی احتیاط را انتخاب نمایند (بادینی، ۱۳۹۷، ۱۴)

قاعده مسؤولیت محض با دفاع تقصیر مشارکتی نیز زمانی نتایج کارایی دارند که دادگاه‌های سطح احتیاط‌های لازم را برابر با سطح احتیاط‌های کارا در نظر بگیرند یا زمانی که آنها سطح احتیاط‌های لازم را آنقدر بالا در نظر بگیرند که زیان زننده ترجیح دهد حتی در صورتی که خسارتی هم به بار آید باز هم احتیاط‌های کارا را انجام دهد، اما اشکال عمده قاعده مسؤولیت محض در حوادث یکجانبه وقتی ظاهر می‌شود که هرگاه جبران خسارت آنقدر پایین باشد که عدم وقوع حادثه و یا وقوع حادثه و جبران خسارت برای زیان دیده یکسان باشد، به موجب قاعده مسؤولیت محض، زیان زننده انگیزه ای برای انجام اقدامات احتیاطی بهینه اجتماعی نخواهد داشت. چنین نتیجه ای در فرض جبران خسارت بیش از حد نیز حاصل خواهد شد. بنابراین

نمی‌تواند با تغییر استراتژی خود در حالی که نفع بازیکن دیگر را بدون تغییر نگه داشته باشد عمل کند، سپس مجموعه انتخاب‌های استراتژی فعلی و بهره مندی مربوطه، تعادل نش را تشکیل می‌دهد (شکوهیان؛ امینی، ۱۳۹۵، ۳۶-۳۸).

۳) قاعده مسؤولیت محض با دفاع تقصیر نسبی: اساساً این قاعده همانند قاعده پیشین است؛ البته با این تفاوت که اگر زیان دیده بدلیل انجام ندادن احتیاط‌های مقرر، مقصر شناخته شود تنها بخشی از زیان‌های وارده را تحمل خواهد کرد. اگر بخشی از خسارت که زیان دیده متحمل آن می‌شود، بر اساس نسبت احتیاط‌های انجام شده به احتیاط‌های مقرر باشد، اگر این میزان به اندازه کافی زیاد باشد و اگر دادگاه، سطح احتیاط‌های مقرر را معادل سطح بهینه اجتماعی در نظر گیرد، نتیجه حاصله به لحاظ اجتماعی کارا خواهد بود. منطق حاکم بر این قضیه نیز همان است که پیش از این بدان اشاره شد.

۵-۳. مقایسه قاعده مسؤولیت محض و قاعده

مسؤولیت مبتنی بر تقصیر

در فرض حوادث یکجانبه، هم قاعده مسؤولیت محض و هم قاعده مسؤولیت مبتنی بر تقصیر، نتیجه بهینه اجتماعی را حاصل خواهند کرد؛ البته به شرط اینکه دادگاه‌ها، سطح احتیاط‌های لازم را برابر با سطح احتیاط‌های بهینه اجتماعی در نظر گیرند، و همچنین، ضمانت اجرای حقوقی برابر با زیان‌های وارده باشد و نهایتاً اینکه، سطح فعالیت ثابت باشد (شکوهیان؛ امینی، ۱۳۹۵، ۲۴).

در حوادث دو جانبه که نیازمند احتیاط هر دو طرف است، کارایی مسؤولیت محض با مشکل مواجه خواهد شد؛ زیرا اگر چه قاعده مسؤولیت محض در ابتدای امر، انگیزه مناسبی را برای زیان زندگان بالقوه ایجاد می‌نماید، اما مشکلاتی را نیز

و همچنین حدود دزدی و رشوه روشن نمی‌شود (مطهری، ۱۳۶۱، ۱۲).

هر نظام یا مکتب اقتصادی، اهداف اقتصادی خود را دنبال می‌کند (میرمعزی، ۱۳۸۱، ۵۶). هدف از نظام اقتصادی اسلام، افزایش ثروت جامعه و به تبع آن، ارتقاء سطح رفاه عمومی، عدالت اجتماعی، عدالت اقتصادی و امنیت اقتصادی می‌باشد (اسدی، ۱۳۹۳). خداوند در قرآن می‌فرماید: «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» (نساء/ ۱۴۱) در تفسیر نمونه آمده است: «[این آیه بدان معنی است که] کافران نه تنها از نظر منطق بلکه از نظر نظامی و سیاسی و فرهنگی و اقتصادی و خلاصه از هیچ نظر بر افراد با ایمان، چیره نخواهند شد (مکارم شیرازی، ۱۳۸۷)؛ بنابراین افزایش ثروت جامعه که به عبارت دیگر حاکی از ثروتمندتر شدن افراد می‌باشد، مورد نظر آیه و هدف نظام اقتصادی اسلام است.

از طرفی دیگر در قرآن فرامینی مربوط به عدالت اقتصادی وجود دارد (توبه/ ۳۵-۳۴)؛ که نه تنها به اتفاق در راه خدا و پرهیز از زراندوزی و نگاه داشتن مال راکد توصیه می‌کند بلکه در صدد تعیین یک حکم حقوقی است و برای آن ضمانت اجرا نیز قرار داده است و آن‌ها را به عذابی الیم بشارت می‌دهد. این آیات دلالت واضح و روشنی بر لزوم عدالت اقتصادی دارد و با تزریق سرمایه‌های راکد در جامعه، جامعه اقتصادی را پویا و سرزنده نگه می‌دارد و شکی نیست که هرچه ثروت بیشتری در جامعه وجود داشته باشد، عدالت اقتصادی آسان‌تر حاصل خواهد شد.

همچنین ایجاد رفاه عمومی نیز از دیگر اهدافی است که نظام اقتصادی اسلامی آن را دنبال می‌کند. برای اثبات این مورد، به آیه شریفه: «قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَ الطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ قُلْ

با توجه به انحراف جبران خسارت از سطح واقعی خسارات وارده، قاعده تقصیر مناسب‌تر است. در حالت وجود زیان زندگان متعدد نیز، قاعده تقصیر، برتر از قاعده مسؤولیت محض عمل می‌نماید. در این حالت نیاز به قاعده ای توزیعی دارد تا پرداخت‌های مربوط به جبران خسارت را میان زیان‌زندگان متعدد توزیع نماید؛ چرا که اغلب مشارکت فردی هر یک از زیان‌زندگان مشخص نیست. همچنین دادگاه‌ها از یک نسبت مساوی برای تمام زیان‌زندگان استفاده می‌نمایند؛ لذا این شیوه باعث بازدارندگی بیش از حد در قاعده مسؤولیت محض می‌گردد؛ اما در مسؤولیت مبتنی بر تقصیر، بازدارندگی کارایی را خواهد داشت.

۴-۵. نگرش اقتصادی به نظام مسؤولیت مدنی و نظریه حداکثرسازی ثروت از منظر فقهی

در این قسمت به بررسی مبانی فقهی نگرش اقتصادی به نظام مسؤولیت مدنی و نظریه حداکثر سازی ثروت پرداخته می‌شود.

۵-۴-۱. بر اساس فقه اقتصادی

شهید مطهری معتقد است؛ اسلام به دو شکل با اقتصاد ارتباط دارد؛ یکی به نحو مستقیم و دیگری به صورت غیرمستقیم. او می‌نویسد: «پیوند مستقیم اسلام با اقتصاد، از آن جهت است که مستقیماً یک سلسله مقررات اقتصادی دارد ... پیوند غیر مستقیم اسلام با اقتصاد از طریق اخلاق است ... اسلام، مردم را توصیه می‌کند به امانت، عفت، عدالت، احسان، ایثار، منع دزدی، [منع] خیانت، [منع] رشوه، همه این‌ها در زمینه ثروت است و یا قسمتی از قلمرو این مفاهیم ثروت است. تا حدود مسائل اقتصادی روشن نشود، حدود عدالت و امانت، عفت و احسان

مدنی به مبنای جدید و ابتدای آن بر نظر پوزنر چیست؟

نکته قابل تاملی که وجود دارد این است که فقه سنتی، داری نگرش فرد محور بوده و به نیازهای فردی نگاه می کند. یعنی فقها احکام را بر اساس آن که یک فرد - صرف نظر از هویت اجتماعی او - دارای تکلیف است، استنباط می کنند (خراسانی، ۱۳۹۹، ۶۷)؛ همچنین در مواجهه با نص نیز از توسعه در معنای آن پرهیز می کنند و محوریت با نص است و تفسیر، جایگاه چندانی در روش استنباط فقه سنتی ندارد. همچنین از طرفی دیگر، مسائل حقوق اقتصادی، نگرش اقتصادی با رویکرد ابزارگرایی و لزوم تأکید بر آن‌ها از مسائل جدید محسوب می شوند، بنابراین؛ چندان دور از ذهن نیست که اولاً؛ به لحاظ روش شناسی، فقه سنتی نتواند چنین مسائلی را تحلیل نماید و ثانیاً؛ قواعد موجود در آن نتواند موید چنین دیدگاهی باشد. در واقع برای حل مسائلی از این قبیل باید در روش های استنباط حکم شرعی و رویکردهای فقهی به طور جد بازنگری صورت گیرد. اما با همه این تفاسیر به عقیده نویسنده، می توان با استفاده از رویکرد فقه سنتی نیز، به موضوع مورد بحث پرداخت.

لازم به توجه است که در استنباط حکم شرعی توسط فقیهان، دو عنصر زمان و مکان تاثیر بسزایی دارد. مسائل جدید، که در اصطلاح فقها، مسائل مستحدثه نامیده می شود، عبارت است از مسائلی که دارای حکم شرعی نیستند؛ اما از آن جایی که ما حاصل تکامل و توسعه زندگی بشر هستند و پیشرفت های جدید، اقتضای آن ها را دارند، فقها از برخی قوانین کلی برای یافتن حکم آن ها استفاده می کنند. شهید اول (ره) به صراحت در این باره می نویسد: «تغییر احکام به سبب دگرگونی عادت ها

هِيَ لِلَّذِينَ ءَامَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا خَالِصَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ.» استدلال شده است (اعراف/۳۲)، (ویکی فقه، اهداف اقتصاد اسلامی) بدین نحو که رسیدن به زینت های الهی [که مصداقی از رفاه محسوب می شود] حلال است، پس رفاه نه تنها مطلوبیت دارد بلکه از اهداف اقتصادی اسلام است؛ بنابراین، ثروتمندسازی جامعه نیز به خودی خود در نظام اقتصادی اسلامی موضوعیت دارد و در دیگر اهداف، یعنی در تامین رفاه عمومی و یا عدالت اقتصادی، شرط لازم است و این اهداف منطبق بر نظریه پوزنر است؛ چرا که او نیز هدف حداکثر سازی ثروت را دنبال می کند. پس در نظام اقتصادی اسلامی، می توان نظام مسؤولیت مدنی را به گونه ای تنظیم کرد که به افزایش ثروت جامعه منجر شود و این امر نشان دهنده این است که به خودی خود منافاتی با دیدگاه پوزنر ندارد و اگر در نظام مسؤولیت مدنی، نظریه حداکثر سازی ثروت را به نحوی تعیین کنیم که باید و نبایدهای اسلام را رعایت کند، می توان از آن به عنوان ابزاری برای بازنگری در نظام مسؤولیت مدنی استفاده کرد و آن را بر اساس کارآمدی اقتصادی مبتنی بر نظریه پوزنر تفسیر کرد.

۵-۴-۲. تحلیل بر اساس فقه سنتی

در مباحث قبلی، مبانی نگرش اقتصادی به مسؤولیت مدنی را در فرض وجود نظام اقتصادی اسلامی بررسی کردیم، اکنون باید دید اگر در مقام انکار چنین نظامی برآییم و یا موضوع را با صرف نظر از مکتب اقتصادی اسلام و بایسته های فقه اقتصادی و با تأکید بر فقه سنتی بخواهیم بررسی نماییم، آیا می توان مبنای نگرش اقتصادی به نظام مسؤولیت مدنی را تبیین کرد؟ به عبارت دیگر آیا مبانی و قواعد فقهی می تواند موید چنین رویکردی باشند یا نه؟ و حکم تغییر مبنای کنونی مسؤولیت

باشد، وجود ندارد. و دوم؛ نظریه آخوند خراسانی است که معتقد است مقصود از آن نفی حکم بر اثر نفی موضوع، در صورت ضرر داشتن است به این بیان که؛ هر موضوعی دارای حکم است، اگر موضوع برای شخص ضرر داشته باشد، برای مثال وضو برای کسی مضر باشد، حکم آن برداشته می شود و وضوی ضرری یعنی وضویی که موجب ضرر برای شخص باشد، در اسلام وجود ندارد (آخوند خراسانی، ۱۴۰۹، ج ۱، ۳۸۱).

وجه استدلال به قاعده لاضرر به این صورت است که ابتدا معنای ضرر توسعه داشته شود و مقصود از ضرر، هر ضرری باشد که به نحوی متوجه اشخاص است. ثانیاً وجود ضرر به معنای خیر مستوفاه و منفعت از درست رفته تعبیر شود. در فقره اول لازم به توضیح است که ضرر، صرفاً فردی تفسیر نمی شود بلکه می توان از ضرر، به ضرر جمعی و اجتماعی نیز تعبیر نمود، از آن جایی که ماهیت جامعه، از تک تک افراد آن منفک و مجزا نیست، ضرری که به جامعه می رسد، به نحو غیر مستقیم، متوجه اشخاص نیز می شود. در فقره دوم هم باید گفت که غالباً ضرر با دیدگاهی خنثی نسبت به منفعت تفسیر می شود، به این معنا که جلب منفعت، در تحقق مفهوم ضرر اهمیتی ندارد اما می توان به شکل دیگری نیز آن را بیان نمود، به این بیان که اگر سود و منفعت قابل انتظاری و قابل اکتسابی وجود داشته باشد و بر اثر اهمال از دست برود، باز هم مفهوم ضرر صدق می کند. با توجه به توضیحات فوق، مفهوم مخالف از نظر شیخ انصاری عبارت است از این که اسلام با حکمی که ضرری نیست موافق است؛ پس به طریق اولویت حکمی که نفع و فایده داشته باشد، مورد تأیید است. با این تفاسیر، وقتی به کار گیری دیدگاه پوزنر برای جامعه فایده و منفعت دارد و اگر به کار گرفته نشود،

جایز است» (عاملی (شهید اول)، ۱۳۹۸، ۵۱)؛ بنابراین جواز تمسک به نظریه پوزنر را باید بر اساس مسائل مستحدثه و متکی بر قواعد قابل قبول اثبات کرد که در ادامه به برخی از آن ها اشاره می شود:

۵-۴-۲-۱. قاعده ملازمه حکم شرع و عقل

این قاعده حاکی از آن است که بین حکم شرعی و حکم عقل، ملازمه و ارتباط وجود دارد به این صورت که اگر عقل بر چیزی حکم کرد، شرع نیز همان را تأیید خواهد کرد و به عبارت دیگر، حکم عقل حکایت از حکم شرع دارد. البته این ملازمه، یک ملازمه دو طرفه محسوب می شود و عکس آن نیز مورد تأیید صاحب نظران است؛ بدین صورت که اگر شرع حکمی را بیان نمود، حکم عقل نیز همان است. مفاد این اصل بر اساس قاعده حسن و قبح عقلی است. در نظر اصولیون و متکلمین امامیه، عقل به طور مستقل می تواند حسن و قبح اشیاء را درک کند (مظفر، ۱۳۸۱، ج ۱، ۲۰۹). نگرش اقتصادی به نظام مسؤولیت مدنی و به کار بستن نظریه پوزنر با هدف حداکثرسازی ثروت، مفید فایده های فراوانی از جمله، افزایش ثروت جامعه و به تبع آن بالارفتن سطح رفاه و افزایش عدالت اجتماعی می باشد و چنین روندی از نظر عقلی ممدوح است؛ بنابراین دارای حسن عقلی است و استفاده از آن برای عقل مطلوبیت دارد، در نتیجه، طبق قاعده ملازمه، حکم شرع نیز خواهد بود.

۵-۴-۲-۲. مفهوم قاعده لاضرر

شیخ انصاری معتقد است در عبارت "لاضرر و لاضرار فی الاسلام"، کلمه "حکم" در تقدیر است (شیخ انصاری، ۱۴۱۶، ج ۲، ۴۶۰). یعنی معنای عبارت به این صورت است که، لا حکم ضرری فی الاسلام یعنی در اسلام، حکمی که نتیجه اش ضرر دیدن شخص باشد و یا مفاد آن ضرر رساندن به دیگری

در قرآن می فرماید: «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» (نساء/۱۴۱)، این آیه دلالت واضحی بر افزایش قدرت اقتصادی حکومت اسلامی دارد؛ همچنین در آیه شریفه دیگری می فرماید: «وَأَعِدُوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ» (انفال، ۶۰) همانطور که تفسیر نمونه نیز بیان کرده است (مکارم شیرازی، ۱۳۸۷، ج ۲، ۱۶۵)، تعبیر این آیه چندان وسیع است که شامل تمام زمینه ها و به طریق اولی قوه اقتصادی نیز می شود چرا که لازمه افزایش قدرت سیاسی و نظامی، افزایش قدرت اقتصادی است و جامعه مسلمانان (در نگاه فقه حکومتی = حکومت اسلامی) باید هر چه در توان دارد را به کار بگیرد تا به توازن قوا با دشمنان خود برسد. هر دو آیه ای که بیان شد، دلالت بر نوعی هدف گذاری دارند. یعنی از مسلمانان می خواهد که نسبت به غیر مسلمانان برتری سیاسی و اقتصادی داشته باشند و در مقابل دشمنان، قوای خود را در همه زمینه ها تقویت کنند؛ اما در مورد روش ساکت است و ظاهراً از هر روشی که مشروع باشد و با کلیات و اصول اساسی اسلام تنافی نداشته باشد، می توان برای نیل به این اهداف استفاده کرد. بر این اساس می توان نظریه حداکثرسازی ثروت را مورد بررسی قرار داد و بر اساس مولفه قدرت حکومت اسلامی، از آن در جهت تقویت قدرت حکومتی و مستحکم شدن بنای جامعه اسلامی، استفاده کرد.

ب) به اعتبار هدف حکومت اسلامی: خداوند در قرآن می فرماید: «كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ وَالْجِهَادُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» (بقره، ۱۹۰) که غرض نهایی و هدف غایی تنزیل رسل و به تبع آن تشکیل حکومت اسلامی، خارج ساختن مردم از ظلمات و تاریکی به سمت نور است که همان هدایت و رستگاری می باشد؛ چرا که فقط در چنین

آن فایده از دست می رود، مفهوم ضرر صدق خواهد کرد و بر اساس دیدگاه شیخ انصاری می توان برای جواز استفاده از نظریه پوزنر استدلال نمود.

۵-۴-۲-۳. ارتکاز عقلاء

ارتکاز عقلاء، سیره عقلاء و یا بنای عقلاء، به معنای عمل کردن بر اساس روش عقلاء و خردمندان است که بدون دخالت عوامل تاثیرگذاری همچون، نژاد، دین، زمان و مکان بر آن پایبند هستند (مظفر، ۱۳۸۱، ج ۲، ۱۵۳). در واقع سیره عقلاء، عرفی است که ناشی از فطرت و ارتکاز انسان هاست نه ناشی از عوامل دیگر. در منابع فقهی و اصولی به این سیره در موارد مختلفی استناد می شود. (شیخ انصاری، ۱۴۱۶، ج ۱، ۵۲۶). در موضوع مورد بحث نیز می توان به شیوه و رویکرد عقلاء و خردمندان عالم استناد کرد. عقلاء برای بهبود زندگی خود و مدیریت تزامم حقوق خود با یکدیگر، قانون وضع کرده و مبتنی بر کارآمدی، آن را ابقاء، اصلاح یا ابطال می کنند. هرگاه عقلاء، شیوه بهتر و کارآمد تری بیابند، بر اساس همان عمل می کنند و شیوه های ناکارآمد، مضر و ناقص را کنار می گذارند. از آن جایی که رویکردهای اقتصادی در حوزه نگرش جمعی به جامعه انسان ها، جدیدتر، کارآمدتر و حساب شده تر است، پس؛ از عقلاء و خردمندان بعید است که آن را به کار نگیرند و از منافع و فواید آن بهره مند نشوند، در نتیجه باید از این رویکردها استفاده کنند که نظریه پوزنر نیز یکی از آن هاست.

۵-۴-۲-۴. فقه حکومتی

فقه حکومتی، در خصوص موضوع مورد بحث از دو منظر قابل بررسی است:

الف) به اعتبار مولفه قدرت: در فقه حکومتی، قوانین شریعت با محوریت حکومت اسلامی تعریف می شوند. همانطور که قبلاً نیز اشاره شد، خداوند

جامعه‌ای است که خلیفه الله بودن انسان معنا پیدا می‌کند برای دستیابی به چنین جامعه‌ای، لوازمی وجود دارد که یکی از مهمترین آن‌ها ایجاد عدالت است؛ از همین رو تحقق عدالت نیز از دیگر اهداف حکومت اسلامی تلقی می‌شود چرا که به عقیده موافقان حکومت اسلامی، اقامه چنین هدفی فقط با تشکیل حکومت امکان‌پذیر است. یکی از مهمترین جنبه‌های عدالت، عدالت اقتصادی می‌باشد که از مهمترین ویژگی‌های حکومت اسلامی محسوب می‌شود. همانطور که در مباحث پیشین مطرح شد، ابزارگرایی اقتصادی در حوزه‌های مختلف می‌تواند باعث ارتقاء سطح عدالت شود و در این بین دیدگاه حداکثرسازی ثروت، می‌تواند نهادینه شدن عدالت اقتصادی، خصوصاً در بعد عدالت توزیعی را تسهیل نماید؛ بنابراین از آن جایی که عدالت به خودی خود مطلوب است و هدف حکومت اسلامی قرار گرفته است و تحصیل آن واجب است و از آن جایی که فقه حکومتی دیدگاه عام و تفسیرپذیر نسبت به مسائل فقهی دارد و نگرش‌های اقتصادی و خصوصاً نظریه حداکثر سازی ثروت، ابزاری برای نیل به این هدف است، می‌توان از این نظریه به نحو جواز استفاده کرد و چه بسا اگر بهترین راه برای تحقق عدالت اقتصادی باشد، استفاده از آن واجب خواهد بود.

۶. نتیجه

امروزه حقوق انتزاعی که صرفاً مبتنی بر تحلیل منطقی - حقوقی است، کارایی ندارد؛ و مسائل حقوقی از دریچه علم اقتصاد تحلیل می‌شود. بر این اساس، کارآمدی اقتصادی به عنوان ملاک و معیار سنجش قوانین، احکام و ساز و کارهای حقوقی قرار می‌گیرد. حوزه مسئولیت مدنی یکی از حوزه‌هایی است که می‌توان آن را با سنجش کارایی اقتصادی

بررسی کرد. نگاه اقتصادی به عنوان یک ابزار می‌تواند پیامد به کارگیری نظرات حقوقی در زمینه مسئولیت مدنی را مشخص کرده و قوانین موجود را نقد کند و در نهایت به ارائه بهترین و کاراترین الگوی اقتصادی منجر شود. در خصوص مفهوم و معنی کارایی اقتصادی اتفاق نظر وجود ندارد و نظریه‌های مختلفی از جمله وضعیت برتر پارتو، وضعیت بهینه پارتو، حداکثر سازی مطلوبیت و حداکثر سازی ثروت در این زمینه وجود دارد. با توجه به این که نظریه پوزنر مبنی بر حداکثر سازی ثروت، از دیگر نظرات کارایی بیشتری دارد، مسئولیت مدنی را می‌توان در راستای آن باز تعریف کرد و قاعده تقصیر و قاعده مسئولیت محض را در دو فرض حوادث یک جانبه و دو جانبه با این مبنا سنجید. در حوادث یک جانبه که نیازمند احتیاط یک طرف است، هم نظریه مسئولیت محض و هم نظریه تقصیر نتیجه بهینه اجتماعی را حاصل خواهند کرد؛ اما در حوادث دو جانبه که نیازمند احتیاط هر دو طرف است، کارایی مسئولیت محض با مشکل مواجه خواهد شد؛ بنابراین قاعده تقصیر مناسب‌تر است؛ همچنین در حالت وجود زیان زندگان متعدد نیز، قاعده تقصیر، برتر از قاعده مسئولیت محض عمل می‌نماید. مسئولیت مدنی با کارآمدی اقتصادی اهدافی را از قبیل بازدارندگی، درونی کردن هزینه‌های خارجی و توزیع ضرر دنبال می‌کند و می‌توان این سه شیوه را برای دستیابی به مسئولیت مدنی با تحلیل کارآمدی اقتصادی بیان نمود.

۷. سهم نویسندگان

کلیه نویسندگان به صورت برابر در تهیه و تدوین پژوهش حاضر مشارکت داشته‌اند.

۸. تضاد منافع

در این پژوهش هیچگونه تضاد منافی وجود ندارد.

منابع

منابع فارسی

- میرمعزی، سیدحسین، نظام اقتصادی اسلام (ساختار کلان)، چاپ اول، تهران، مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، ۱۳۸۱.
- نبی‌زاده کبریا، قاسم، مداخله دولت در شروط غیرمنصفانه با تکیه بر تحلیل اقتصادی قراردادها، مجله دانشنامه حقوق اقتصادی، سال بیست و هفتم، شماره هیجدهم، ۱۳۹۹.
- اسدی، علی، «نظام اقتصاد اسلامی الگوی کامل برای اقتصاد مقاومتی»، فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان، شماره پنجم، ۱۳۹۳.
- بادینی، حسن؛ عباسی، سمیه؛ بررسی کارایی مسؤولیت محض از دیدگاه تحلیل اقتصادی حقوق، مجله حقوق تطبیقی، شماره ۱۰۹، بهار و تابستان ۱۳۹۷.
- بادینی، حسن، فلسفه مسؤولیت مدنی، چاپ سوم، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۹۴.
- فضل‌ی، فریدون، تاریخ عقاید اقتصادی، چاپ دوم، تهران، نشر نی، ۱۳۷۵.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ترمینولوژی حقوق، چاپ هفتم، تهران، انتشارات گنج دانش، ۱۳۹۹.
- خراسانی، رضا، «تفاوت روش شناختی فقه سنتی و فقه حکومتی»، نشریه راهبرد فرهنگ، شماره پنجاه و یکم، ۱۳۹۹.
- دادگر، یداله؛ خودکار، رضا؛ تحلیل اقتصادی قاعده مسؤولیت محض و بررسی کارایی آن در حقوق ایران، مجله تحقیقات حقوقی، شماره هفتاد و هشتم، ۱۳۹۶.
- شکوهیان، سید علیرضا؛ امینی، منصور، «بهبهینه‌یابی در کارکرد قاعده مسؤولیت مبتنی بر تقصیر با تأکید بر مسؤولیت مدنی پزشک»، مجله تحقیقات حقوقی، شماره هفتاد و ششم، ۱۳۹۵.
- کوتر، رابرت؛ ویولن، تامس، حقوق و اقتصاد، ترجمه یداله دادگر و حامد اخوان هزاوه، چاپ اول، همدان، انتشارات نور علم، ۱۳۸۸.
- م،ن، «کلید حل مسائل مستحدثه»، نشریه درس‌هایی از مکتب اسلام، شماره دوم، ۱۳۶۶.
- مجاهد، افشین، جایگاه کارآمدی اقتصادی در حقوق ورشکستگی، مجله: دستاوردهای نوین در مطالعات علوم انسانی، سال پنجم، شماره پنجاهم، ۱۴۰۱.
- مطهری، مرتضی، بررسی اجمالی مبانی اقتصاد اسلامی، چاپ سوم، تهران، انتشارات حکمت، ۱۳۶۱.
- مظفر، محمدرضا، اصول الفقه، جلد اول و دوم، قم، موسسه نشر اسلامی، ۱۳۸۱.

منابع عربی

- انصاری، مرتضی بن محمد امین، فرائد الاصول، جلد اول و دوم، قم، موسسه نشر اسلام، ۱۴۱۶.
- خراسانی، محمدکاظم، کفایه الاصول، جلد اول، قم، موسسه آل‌البتیت(ع)، ۱۴۰۹.
- عاملی(شهید اول)، محمد بن مکی، القواعد و الفوائد، قم، مجمع ذخایر اسلامی، ۱۳۹۸.
- مکارم شیرازی، ناصر، برگزیده تفسیر نمونه، تلخیص علی بابایی، جلد دوم، قم، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۷.

منابع لاتین

- Brown, John Prather , "Toward an Economic Theory of Liability", Journal of Legal Studies, No.2, 1973.
- Cooper-stephenson; ken Gibson Elaine , tort theory ,First Edition, captus , captus university publications, 1993.
- Orr, Daniel , "the Superiority of Comparative Negligence- Another Vote", Journal of Legal Studies, No.20, 1991.
- Posner, Richard, "Consequentialism"(In Introdtion to the philosophy of law- Readings & Cases- Problems of jurisprudence- reading 2), edited by Jeferson White & Dennis Patterson, First Edition , Oxford ,Oxford University Press, 1999.

